

استه یک حکم قرآنی.

باین حال بیشتر افرادی که از روسری و چادر طرفدار می کنند به آیاتی قرآن برای استفاده از آن استناد می کنند. مثلا در سوره نور (آیه ۳۱) به زنان سفارش شده که «لینا یا بد مقنعه های خود را روی سینه های خود ببندند و زیبایی شان را آشکار نکنند مگر برای شوهران شان، پدران شان، پسران شان، برادران شان، پسران برادران شان، پسران خواهران شان، زنان همکیش شان، برادران شان یا اقربا سیه که تمایل به زن ندادند یا کوه کلبی که از او هر جنسی مربوط به زنان آنکه نیستند» یک حکم صریح است. در سوره احزاب (آیه ۵۹) آمده است: «ای پیامبر، به مسلمانان دختران و زنان باطن بگو که آنها باید لباس های بلند خود را بر خوش فرو نکنند این کار برای اینکه شسته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و مخلوند هولو آمیزند و رحیم است در هر پلوی های تفسیری تو چه قرآن به انگلیسی که عموما مورد استفاده اتباع آسیای جنوبی قرار می گیرد تدبیر بر حجاب تاکید شده است. عبدالله یوسف علی^{۳۳} در پلوی ۲۲۹۲ ترجمه اش نوشته: «این حکم برای تمام زنان مسلمان، اعم از زنان پیشبر یا دیگران است و از آنها خواسته شده که وقتی از خانه خارج می شوند خود را با لباسی منطبق بپوشانند». در پلوی ۲۲۹۵ او «حجاب» را «جمع چادری» که در این آیه آمده این گونه تعریف می کند: «لباس بیرون یک روپوش بلند است که تمام بدن را می پوشد و یک شل که در من و سینه را می پوشاند».

این حکم چندان صریح نیست و جزئیات آن از قبیل اینکه چه چیزی باید پوشیده شود یا چگونه آن روشن بپوشانند موضوع مورد بحث بوده و خواهد شد؟^{۳۴} طرفداران حجاب افراطی را که قائل به حکم حجاب نیستند چاهل می شمردند آنها نیز طرفداران حجاب را بنیاد گرامی خوانند اما به این است که زنان جوانی که چادر و روسری می پوشند یا ترفیق راه عنوان پوشش اجباری تفسیر می کنند مطابق آن عمل می کنند.

آن زن چه می گوید؟

دلایل زیادی برای حجاب این زنان وجود دارد همان طور که پیش از این گفته شد اولین هتایان است که آنان متفقند حجاب ضروری دینی است و بسیاری هم آن را برای ارزش در فضاهای مختلف می پذیرند که پوشیدن روسری و ادر دشنگاه شروع کرده بود می گفتند: «در یک خوابگاه مختلط زندگی می کردم و این اولین بار بود که با انگشهای خیره پسران مواجه می شدم من فکر می کنم اینجا بود که وقایع می بردم چرا او پدر روسری مسر کنده چرا که به محض روسری مسر کردن همه پسران من را به حال خود با کرا دیدند».

پادریش حجاب تصمیم اساسی نیست و این زنان چون غلبه امت زمامی قبل از انجام آن از نظر ذهنی با آن درگیر هستند اما آنجا به بدی باطنی و لایروبی جزای اخروی از ازش خاطر می بندند یک خاتمی موضوع را این گونه توضیح می دهد: «من حجاب را برگزیدم چرا که به هر مورد فهمیدم که گویند به هیچ وجه قابل مقایسه با خدا (سبحانه و تعالی) نیستند بنابراین چگونه می توانستم از یک حکم صریح الهی دستخافه سرپیچی کنم؟ به علاوه من خارج از خانه به سیر فصل بودم و در نتیجه فهمیدم اینکه کار کردن یا حجاب بر ایدم دشوار تر است ولی شاید این کار برای من بهتر از این باشد که اصلا حجاب نداشته باشم من در خانه که آنچه مرا از داشتن حجاب بی اثر می خرد صرفا بدین خنیا بازم می گردید و بی ارزشی این دنیا برای من کاملاً روشن است».

این زنان نسبتاً زود تصمیم گرفتند روسری مسر کنند هر دست بر عکس مادران و خاله ها و همه ایشان که همگی حجاب دارند ولی در میسالی تن به آن داخلند^{۳۵} بسیاری از زنان جوان خصوصا اگر در مدرس اسلامی باشند قبل از سن بلوغ با حجابند هر میان کسانی که من تحقیق کردم از آن ۲۲ ساله (که اکثرشان به مدرسه اسلامی می رفتند) پیش از ۱۲ سالگی و ۱۰ نفر از ۱۲ تا ۱۴ سالگی جزو همه زنان با شروع دبیرستان با حجاب شدند از آن جوان دیگر، حجاب را هنگامی که ۱۸ یا ۱۷ ساله بودند یعنی

هم زمان با تکالیف آغاز کردند از کسانی که من مورد بررسی قرار دادم، فقط یک زن ۱۶ ساله خاندان و دلاری مدرک فوق لیسانس از شیکاگو، دیورت و در ۱۰ سالگی با حجاب شدت

ممکن است چنین به نظر برسد که چون این زنان جوان حجاب را بر عین جوشی پذیرفته اند این باره به طور محسوس یا فلسفوسوس تحت فشار بودند اما این طور نبودت بلکه برخی بر خلاف نظر والدین شان حجاب را اختیار کردند یک زن ۲۲ ساله پاکستانی که دختر صوری حقوق بود می گفت که والدین او اصلا حجابش نپوشدند و دوران واقعا سختی را پشت سر گذاشته است نه زیبای می گفت در حالی که بستگان درجه یک او در خانواده نیز گشمان مشوق او بودند هر چی از آن یک شوخی تاقی می کردند و برخی فکر می کردند که من با این ظاهر هرگز نتوانم توانست ازدواج کنم» همه این زنان می گویند که به اختیار خود روسری مسر کردند بدون اینکه از طرف والدین شان تحت فشار بوده باشند با این حال این اظهار نظر به خودی خود احتمال فشار ها و دخالت های نامحسوس واقعی نمی کند البته این حقیقت که اکثر این زنان جوان چادر و روسری بر اثر مقابل مخالفت های اعضای خانواده شان برگزیده اند، حاکم از این است که این کار تحت فشار والدین و دیگر اعضای خانواده نبوده است اغلب آنها می گویند که والدین شان حجاب این تصمیم آنها بودند در حالی که فقط اکثر از آنها می گویند که پدر و مادر شان نسبت به موضوع بی تفاوت بودند

حفظ حجاب امری دشوار است چنان که بعضی زنان وقتی با مقاومت دوستان، خانواده همکلاسی ها و همکاران خود مواجه می شوند، حجاب را کنار می گذارند هیچ یک از زنان در دست

پروسی، ترک حجاب نکردند اما زن جوانی را می شناسم که به خاطر احساس ناراحتی از فشار های ولده او چاد دوستان دبیرستانی اش در شهر کوچک کسان، حجاب را ترک کرده است^{۳۶} البته برای خیلی ها هم روسری مسر کردن در مدرسه دشوار نیست زنان جوانی که در طول تحقیق با آنها مصاحبه کردم احساس خوبی نسبت به روسری مسر کردن داشتند با اینکه برخی روسری را کنار گذاشته ولی به نظر می رسد که اکثر آنها کاملا مطمئن هستند که به پوشیدن روسری ادامه خواهند داد یک دختر ۱۹ ساله فلسطینی گفت: «دختر صوری دارم و بسیاری می گفت برخی اوقات تردیدهایی داشته اما بهر حال در تابستان بسیار خوشحال بوده که روسری مسر کرده است لومی گویند «دخانی هست که من می بینم مردان چطور به زانی که پوشش بلند خیر می شوند و با آنها بد رفتاری می کنند» زن جوان دیگری که یک فلسطینی ۲۲ ساله دوره ایس ناس با والدینی ایرانی و پاکستانی است می گفت که کمی دودل است بهر مایل دردی که انتظار می رود همچون «هر روسی جابری» ظاهر شود بعد از چنین اقدامی همد چطور می توانی بر این تردیدها فائق آیی؟ ایا خدا آخرت».

آیا این زنان جوان حجاب را ترک خواهند کرد همان طور که شرایط دشنگاه را که از نظر اجتماعی امن تر است تر کمی کنند و به خاطر کار کردن تر می دهند؟ البته زنان با حجاب در محل کار مختار هستند و اکنون یافتن محیط های کاری که در آنها زنان حجاب داشته باشند عدی تر شده است^{۳۷} پاسخ این سوال باردهی این زنان جوان هنگامی که به عنوان نیروی کار وارد مجموعه های بزرگتر می شوند روشن خواهند شد.

بستگان او چه می گویند؟

عکس العمل دیگران نسبت به زنان جوان معجبه بسیار متفاوت است، به طوری که از تشویق تا مخالفت را هر بر می گیرند برای بعضی زنان جوان، روسری مسر کردن تفسیری ساده است زیرا اعضای خانواده دوستان شان مشوق آنها هستند در حالی که برای برخی دیگر

تصمیمی دشوار است چون دوستان همکلاسی ها و غریبه ها تمایلی به آنها یا تعجب نگاه می کنند آنان را مسخره می کنند و حتی عکس عمل های بدتری نشان می دهند آنها را می توان زنده نگاشت ولی از اعضای خانواده نمی توان به آسانی چشم پوشید بعضی والدین به شدت با حجاب مخالفت می کنند مادر یک دختر ۱۰ ساله هندی اسی کاهی که مشاوری است می گفت هنگامی که دخترش روسری مسر می کرد همه بسیار عصبانی شدند خانواده آنها در هانج سیرل ترو تمسک به پدر او نیز می گرفت که دختر عمده ای او در هند فکر می کند که او از زمانی که به موجب سلامه ایستاد تمام بیوه شده است

دیگر والدین که روسری را پذیرفته اند با چادر مبله خوبی ندارند چرا که به نظر آنان استفاده از این پوشش نوعی اطراد بوده و توجه ناخوشایند دیگران را بر می انگیزد به گمان آنها چون روسری مسر می پوشند و زنان جوان نیز لباس های گشاد می پوشند پوشیدن چادر زیاد است تعلقات بین مادر یک دانشجوی جوان آمریکایی متولد هند که چادر می پوشد و خاتمی به خوبی این موضوع را نشان می دهد هم خاله و هم مادر به نظر او زخاله بعد از حج و مادر قبل از تشریف به حج را روسری مسر می کنند اما چادر نمی پوشند خاله زمایی که خواهر زانم است پس از مدت کوتاهی که روسری مسر کرده بود چادر هم پوشید به شدت مخالفت کرد ولی می گفت که این زانم وی است و او نباید این طور خود را بپوشد» چادری که در همین حال خاله او اینکه دختر نو جوان خودش به نازگی روسری را کنار گذاشته شکایت داشت و او خواهرش می خواست که با دخترش صحبت کند و او برای پوشیدن مجدد روسری متقاعد کند مادر آن دانشجو چادری می داد

که «هر دوی ما به نازگی و در سن بالا روسری مسر کرده ایم ما می هستیم که به این دختران بگوییم باید این کار را انجام دهند»^{۳۸}

زنان جوان جافنده در اواخر دهه سو و اوایل دهه چهارم زندگی نسبت به زنان جوان تری که حجاب دارند به شدت عکس العمل نشان می دهند من می یافتم که زنان بسیار کمی در این سن و سال هستند که روسری یا چادر بپوشند و اغلب با پوشیدن هر دو مخالف هستند آنها تحصیل کرده دانشگاهی و نیروی کار هستند بیشتر آنها اکنون از ادواج کرده اند این زنان با در سن جوانی به اینجا مهاجرت کرده اند یا در این جا متولد شدند هر نیویورک سایی که من تحقیق خود را انجام دادم برخی از این زنان جافنده به زنان جوانی اشاره می کنند که چادر می پوشند و در اعیاد اسلامی و گردهمایی های بزرگتری مثل ایسند در محوطه دانشگاه تجمع می کنند و در مراسمی مثل جشن ازدواج آسیای جنوبی هاد آنها سیزه های لندیان قسمت زنان را که از میزهای سران و برخی اوقات حتی از میزهای زنان دیگری که چادر و روسری ندارند جدت سفارش می دهند

زنان جوانی که چادر و روسری می پوشند نه تنها انتقادها را شنیده می گیرند بلکه گاهی اوقات خیلی صمیمانه موضع خویش را با فشاری می کنند آنها اغلب مورد تحسین و محبت بزرگتر هایشان قرار می گیرند آنان موضوع گفتوگوهای زنان مسر تر در مسجدها و مراکزها هستند خاتمی که روسری مسر می کند هنوز مرد علاقه خاتمی شان هستند اما آنها به اندازه زمانی که حجاب دارند طی خصوصی آنها می که چادر می پوشند تحسین نمی شوند نسبت به تغییر وضعیت مشابهی را هر بین دانشگاهیان مجمع فلسطینیان مسلمان (MSA) در دانشگاه شیکاگو بررسی کرده است به بعضی این که دخترش شروع به پوشیدن حجاب می کند پدر ملائم تشویق می شود و علاوه بر تشویق جایزه های همچون یک کیف حاوی تول های قرآن، روسری و شکلات می یافتم می کند جامعه آشکارا برای آنها ارزش قائل می شود تا بر ارتقا جایگاه اجتماعی آنان تاکید کند نسبت می نویسد می توان گفت که

هویت زن مسلمان در آمریکا حاصل کاوش های درونی در باره معنای مسلمان بودن در آمریکاست و احساس عمیق تر از «مسلمان بودن» را که فراتر از دیگر انواع روابط نژادی است شکل داده است

اجرام این کار در منظر کسانی که حجاب ندارند برای ارزش دادن به آنان مسرت می گیرند^{۳۹}

بسیاری از زنان مسر تر مهاجر نسل دومی فکر می کنند که روسری مسر کردن تنها یک هوس یا مداست که زنان جوان تر آن را فقط به خاطر اینکه دوست داشتن با حجابند می پوشند چادری که زنان جوانی که روسری و چادر می پوشند نیز می گویند که آنها اعمال خوب و تکلیف دینی و اسلامی را از دوستان شان می آموزند به هر حال یکی از عوامل مهم در این موضوع همسالان هستند و مسامحت مهم در زمان چادر و روسری پوشش و به افزایش بوده است یک صنعت کوچک برای تمین نیاز پوشاک این زنان مسلمان جوان به وجود آمده است در جکسون هیتس در نیویورک خاتمی، سفارش های دانشی برای دوخت چادر یا بلرهای خوب و رنگ های جذاب دارند خاتمی خود و ششمین منهن بیرون مسجد بزرگ بروکلین روسری به نازکها را تشکیل می شود مسامحت می نویسد هر روز تعداد رو به رشدی از مغازه ها و فروشگاه های خرده فروشی ویژه لباس های اسلامی نظیر چادر، روبان روسری و حتی کفش های مسافرتی دیدنی شده که موجب شادی بسیاری از زنان و نگرانی سایرین است^{۴۰}

فهم چرا حالا حجاب؟

او ۱۵ سال گذشته تاکنون تغییرات زیادی در سطح عمومی جامعه آمریکا و درون جامعه مسلمان آمریکا به وجود آمده که به ما کمک می کند تا بفهمیم چرا اکنون چرا کت به سمت حجاب در حال رشد است اولاً افزایش قدرت فرهنگی و فضا و مشروعیت لازم را به افراد نژاد گرای داده است^{۴۱} ثانیاً توجه به اینکه جمعیت مسلمان افزایش یافته و بیشتر باسلیت درگیر شده اند وضعیت مسلمانان تغییر کرده است فلان نخستین جنگ خلیج فارس، بمب گذاری در ساختمان فدرال شهر لاکالاما و بمب گذاری سال ۱۹۹۲ و تخریب مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، به عنوان کالیزورهای برای بازاندیشی مسلمانان در معنای مسلمان بودن عمل کردند نه ناپایداری چگونگی آموزش اسلام به مسلمانان جوان و نیز تفسیر ایشان از اسلام تغییر کرده است

جنبه طبیعت چندفرهنگی^{۴۲}

در چند دهه اخیر، نیروی عمومی هویت های نژادی در ایالات متحده خصوصا در میان غیر سفیدها و مهاجران و زنان آنان مورد توجه بیشتر قرار گرفته و مقبول تر شده است این موضوع تا حدی به افزایش تعداد مهاجران از کشورهای غیر اروپایی بستگی دارد (قبل از تغییرات در قانون مهاجرت از چنین کشورهای کمتر مهاجر می آمد با وجود مهاجران غیر سفید و تغییرات در سیاست های قومی و نژادی در اواخر دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی، پدیده اهمیت و ضرورت در هم آمیختگی فرهنگی مسرود بحث قرار گرفت^{۴۳})

در دهه ۶۰، ایده چندفرهنگی به عنوان یک نظریه و تجربه مطرح شد در حالی که نظریه همگونی همچنان کاملاً مستحکم است چندفرهنگی به مثابه یک نظریه و مهم تر از آن به عنوان یک تجربه در حوزه عمومی ریشه دوانده و پیشرفت کرده است^{۴۴} در محیط های دانشگاهی، تعداد فرهنگها پررنگتر شده تا جایی که در برنامه درسی مدارس ابتدایی و دبیرستان جایز گردشت پیروزی جنبش چندفرهنگی از نظر قضی است که جاستیناس مشهور نثان گلن در عنوان کتاب خود همه ما اکنون چندفرهنگه هستیم^{۴۵} بر آن تاکید کرده است^{۴۶} این تغییر در برنامه آموزشی با تغییر در نظریه نژاد گرای به عنوان تجربه ای زنده ضبط شده مهاجران دیگر نباید از نظر فرهنگی آبا جلمه همگون شوند آنها می توانند هویت های شان را آن طور که می خواهند نه تنها از خلوت بلکه در عرصه عمومی عرضه کنند^{۴۷}

این گرایش اساسی به نظریه چندفرهنگی چه مورد پسند است چندان مشخصی بیشتر برای بیرون ظهور عمومی نژاد گرای فراهم آورده است چایی که زمانی چیزی جز سلب و سفید و آمریکای لاتینی خوب نبود





اکنون مجموعه گسترده‌ای از دیگر بودگی ارزش پیدا کرده است. در گذشته‌های نه چندان دور، فرهنگ نژاد غیر سفیدپوست مغربیان نژاده‌ها جزو نسل دومی نبود که آن را دوست داشته باشند و به آن عمل کنند اما اکنون شرایط تغییر کرده است نژاد گرایی نه تنها مقبولیت یافته بلکه کاملاً متخلف از ارزش‌های هم‌شامل است.

در حالی که هنوز جلوه‌های خاصی از نژاد گرایی، نظیر مهاجرتی که پیرامون دوزخه بودن در کالیفرنیا وجود دارد صورت گرفته است، هوش خردمند و شایسته‌های فرهنگی نژاد گرایی قابل تحمل‌تر و گاهی با انگلیز باز تر شده است هم هستند تغییراتی از ناخوشایندی به خوشایندی در مثال حسن آسیای جنوبی نظیر جنوب چین و حلقه بیینی، توسط افراد پیشرو پذیرفته شده است. در حالی که ۱۰ سال پیش زنان جوان آسیای جنوبی به خاطر چندین مورد دی‌مستره می‌شدند، موسیقی فیلم‌های هندی در کلوب‌های شبانه‌نشین شنبه‌شب می‌شدند حال آنکه در سال ۱۰ سال پیش، نوجوانی که از فیلم‌های هندی و موسیقی‌های آن لذت می‌بردند به دیگران نمی‌گفتند که چنین چیزهایی را دوست دارند. صنعت فیلم با وجود ساخت فیلم‌های هندی در ۲۰۰۲ توسط هندو لویدز به طور گسترده‌ای معرفی شده است.

این تغییر به سمت پذیرش دیگر بودگی، بر مبنای نگرش مسلمانان به خودشان نیز تغییر گذاشته است. چند نفر هنگی به همراه پذیرش فرزند پسر عمو می نژاد گرایی و دیگر بودن، به ظهور نشانه‌های بیرونی دینی و تجربه‌های اصلاحی نابرابر می‌انجامد داده است. در دهه ۸۰ میلادی که از زمان عدم تیز و جوان - محبوب فروری نه چندان داشتند یک زن مسلمان مهاجر نسل دومی که در اواسط دهه ۸۰ با مهاجر شده در دفتر پوشش گرفته است. هوش روز بروز از مسجد جزو مسائل شخصی است. من نمی‌خواهم که پاس پوشیده در کالج حاضر شوم. من یک مسلمان هستم و از گفتن آن احساسی فروری نمی‌کنم. من می‌خواهم مسلمان بودنم را به روشی غیر از پوشیدن لباس ابراز کنم. من می‌خواهم لباس‌های متناسب با شأن خودم بپوشم و دوست دارم طبیعی جلوه کنم.

در اواسط دهه ۸۰ طبیعی به نظر رسیدن برای یک زن جوان، به معنای لطیفی با فاکتورهای رایج پوشش، مثلا چین‌های چسبیل و بلوزهای یقه‌دار بود. تنها کسی که لباس‌های محلی نظیر شالوار کشاد و بلوز بلند آسیای جنوبی را می‌پوشیدند نژاد مهاجران بودند که این نوع پوشش را به نژادین لباس می‌گفتند. فرزند این مهاجران که لباس‌های پوشیده غالباً در منظر عمومی فاصله خود را با این افراد حفظ می‌کردند تا منزلت اجتماعی خویش را به دلیل وابستگی به این افراد نشان دهند.

منزلت اجتماعی، بزرگترین دل‌مشغولی دانش‌آموزان دبیرستانی است. اینکه با چه کسانی دوست هستی، تنها با چه کسانی غذای خود را و قرار ملاقاتی گفتار تدبیر از زندگی اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی مهم است. جایگاه اجتماعی بر اساس اعتباری فرد یا هر صفتی اجتماعی و کسانی که با آنها معاشرت دارد مشخص می‌شود. صاحبان باقران افکار یا چیزهایی که منزلت اجتماعی پایشی دارند جایگاه اجتماعی شخص را پایین می‌آورد و در هکس هم‌نشینی با افراد افکار پایین‌تر از منزلت اجتماعی بالاتر باعث از رفتن منزلت اجتماعی فرد می‌شود.

مهاجران در گذشته غالباً از جایگاه اجتماعی پایین‌تری در مدارس برخوردار بودند زیرا نژادهای رقیبی و پوشش مطالبه‌گرا، تن‌های آمریکایی را نمی‌شناختند و رفتار و عملکردهای آنها مورد دست‌نویس‌ها نه‌تنها در مایه اجتماعی و اقتصادی لازم برای پوشیدن لباس‌های مناسب‌تر صورت‌پذیرند و نمی‌خواستند پاسی نتوانند با افراد شایسته معاشرت کنند. آنها به دلیل فریب بودن در مدارس و کشور، اطلاعات لازم را در اختیار نداشتند تا قادر باشند به سطح بالای دبیرستانی راه یابند. برای مهاجران نسل خوب معاشرت صحیح‌ها با هم‌نژادین نسل اول به‌منظور چاندی به سوی مرگ اجتماعی بود یا وجود اینکه بین نژادین و بازرگانشده و نوجوانان نژاد مهاجر به آمریکاییان اختلاف وجود دارد. تعاقب نژادی از ۱۵ سال قبل به این طرف دیگر چیزی نبوده که

در دهم سال شد و به خودی خود بر چسبی نبوده که موجب تنزل منزلت اجتماعی فرد شود.

امروزه ما با نظریات مثبتی بر تفاوت بودن راجع به جلد و در مدارس بیشتر با نژاد هستیم. برای مثال می‌توانیم (۲۰۰۴) بیان می‌کند که طبقه‌بندی منزلت اجتماعی در دبیرستان‌ها از یک مردم سطح‌بندی شده صورت می‌گیرد که در آن روز شکلات و مغزهای نعلب‌های تلویزیونی و ماسک‌های در بالا و کلاه پوش از جلد پوشش‌نگر و غیر اجتماعی در میانه آن قرار دارند. به هر می‌کنند تا اینکه تغییر کرده که از فرهنگ‌های متعددی تشکیل شده و از وساطت‌پذیری شده است. در چنین وضعیتی نژادی که روسری و چادر می‌پوشند بدون اینکه از وساطت‌پذیری پوشش‌های جلدی جامعه طرف شوند مانند نژاد پیش، موقعیت اجتماعی مناسبی می‌یابند. ۳۰ به‌صورت دیگر عوامل دیگری بر منزلت اجتماعی این زنان جوان تأثیر گذار است و نژاد پوشش‌های جلدی نیز عوامل مهمی هستند.

تغییرات نگرش سیاسی مسلمانان جامعه مسلمان آمریکا رشد کرده و این رشد با تغییراتی در نگرش‌های بسیاری از مسلمانان مهاجر لوام بوده است. ۵۹٪ آنها احساس می‌کنند که اکنون بخشی از جامعه آمریکا هستند و باید در شهر زندگی کنند. تفاوت‌های مشارکت در مدارس محلی و فعالیت‌های سیاسی مهم‌باشند.

این در حالی است که پیش از این مهاجران مسلمان نسل اول نسبت به مشارکت در جامعه آمریکایی بی‌تفاوت بودند زیرا اغلباً فکر می‌کردند که به این دلیل به کشور هایشان بازگردند. شوندا ۳۰٪ اکنون که نسل دوم بالغ شده و در دبیرستان کالج و محل کار حضور دارند ایده افتراج برای بسیاری از خانواده‌ها منتهی شده است.

در سطح ملی، نهادهایی نظیر CAIR (کمیته اقوام مسلمان آمریکا) و AMIC (کمیته مسلمانان آمریکا) و MPAC (کمیته مسائل سیاسی مسلمانان) به هدایت و جهت‌دهی این نیروهای سیاسی کمک می‌کنند. همچنین مسلمانان در امری نظیر شورهای مدارس، انجمن‌های سیاسی و در مسائل چون نامزدی مناسب سیاسی در سطح محلی فعالیت‌تر هستند. تقاسمید، تاریخ شروع فعالیت‌های سیاسی مسلمانان را سال ۱۹۹۰ می‌داند که با تشکیل کمیته AMIC و دیگر نهادهای ملی که به‌طور حرفه‌ای آغاز به کار کرده‌اند هم‌راه بوده است. ۳۰٪ از هم‌نژادین خاطر نشان می‌کنند که مسلمانان در سال ۱۹۹۲ برای انواع مناسب انتخاباتی در این کشور - جز رییس جمهوری و معاونت آن - حاضر شده‌اند.

آثار و رویدادهای خارجی
مسلمانان آمریکا در مدارس و جاهای دیگر مورد پذیرش قرار گرفته و همچنان فرسوس می‌گیرند. آنها فریب‌هایی می‌خورد هستند. ۳۰٪ فریب‌هایی که هر کسی (یعنی هر آمریکایی حقیقی و وطن‌دوست) به راحتی می‌تواند آنها را تحقیر کند بعد از مس‌گذاری سال ۱۹۹۳ در مرکز تجارت جهانی، یک دانش‌آموز سال نهم در نوجوب می‌به‌صاحبه‌گر گفته است که بچه‌ها او را اخراج به سره مسلمان می‌کنند و گفته که آنها تهدید می‌کنند که روسری‌ام را بر سرم بزنند تا به‌دین کچول هستم. در طول جنگ اول خلیج فارس یکی از دانش‌آموزان من که به تازگی از یورتنکو آمده بود و قصد داشت برای آموزش زبان انگلیسی در کلاس من حضور یابد می‌خواست بنماید که در این کلاس دانش‌آموز خردالی هم هست و در صورت وجود آنها آنقدر بر هم‌زبان کلاس را دارند که در آن زمان، مساجد مورد هتک حرمت قرار می‌گرفتند و به تفرقه نودین می‌شد.

یکی از نتایج این حوادث، بازنگری مسلمانان آمریکایی رایج به خودشان بود. آنها از خوششان سوال می‌کردند که مسلمان بودن به چه‌مانندی است و آیا ایشان به راستی به‌گونه‌ای معنادار مسلمان هستند؟ امام جماعت حومه شهر نیویورک که در ۱۹۹۹ با او مصاحبه شده این روش را پیشنهاد کرده است. هر زمان بجز آن‌ها به خود را از شناسایی کنید و در زمان آرایش می‌توانید به‌خاطرند. به‌منظور او جنگ اول خلیج فارس که گفتا به‌مانند معنی برای مسلمانان آمریکا وجود آورده، در کل چیز دیگری برای اسلام در آمریکا نبود. او می‌گفت: «جنگ خلیج فارس چهره واقعی آمریکایی‌ها را نسبت به اسلام نمایان کرده. با اینکه این گفته ممکن است تفریق‌آمیز به نظر برسد اما تفرقه‌ها از اوایل دهه ۹۰ ما پیش از پیش مفادات مثبتی در باره اسلام به‌طور کلی و مؤسسه‌ها و فعالیت‌های اصلاحی در آمریکا به‌طور خاص در وقت کردیم.

به سمت اسلام
گرایش جدیدی بین مسلمانان جوان‌تر وجود دارد که روی هم رفته برای ایشان معنای مسلمان بودن را روشن می‌کند. «کلیشه‌ها درباره دین و مملکت تریاره اسلام در میان جوانان مسلمان سطح جدیدی یافته است. تعداد زیادی از جوانان - خصوصاً دانش‌آموزان کالج و دبیرستان - به دنبال کسب معرفت اسلامی خاص خودشان هستند. معرفت «حقیقی» اسلامی کاری که خواهران و برادران بزرگتر آنها را آموزش داده سوم و اوایل دهه چهارم زندگی‌شان هرگز انجام نمی‌داده. برای بزرگترها همین چیزی بود که والدین

و دیگران به آنها یاد می‌داده و آنان بر سبب یادگیری هیچ‌گونه فرهنگی نداشته‌اند، بلکه یک تکلیف بود. اما برای بسیاری از جوانان، معرفت دینی چیزی است که آنها مستقلاً برای خود می‌یابند. امروزه حلقه‌های فرعی متعددی به‌وسیله دانش‌آموزان تشکیل شده و به کار لغه می‌دهند کاری که یک دهه قبل کاملاً غیر معمول بوده. دانش‌آموزان جوان، انجمن‌های اجتماع مسجدانشان را برای دریافت اطلاعات کلاسه می‌کنند و دانش‌آموزان به معرفی می‌کنند که به آنها عرضه شده. پرسش می‌کنند. امام جماعت مسجد حومه شهر نیویورک بر این نکته تأکید می‌کند که دانش‌آموزان مسلمان سن‌تر در بیان تکلیف‌های دینی به‌گونه‌ای که بچه‌ها از آن با گوش جان بشنوند، در کلاس‌ها و بیرون کلاس کارآمد نبوده و هنوز هم نیستند. بچه‌ها و نوجوانان، معلمان مسلمان‌تر خود را خیلی جدی نمی‌گیرند چرا که روش تدریس آنها به‌شده در تهریه‌ها، جهان‌فهم‌ناپذیر یادگیری حقیقی و عاطفی‌وار دارد. معلمان مسلمان حالت نادرند هنگام صحبت با دانش‌آموزان. جلب توجه کنند. یک نوجوه جوان مدعو می‌جاس از حیدرآباد هند نیز به همین مطلب اشاره کرد. گفت می‌گفت که جا خود به‌دین از اینکه بطور جوانان آمریکایی همیشه در محل پرسش از هر چیزی هستند و همیشه می‌پرسند. چهاردهم در حالی که او هر دهه‌ای گفته فقط آنچه به شما گفته‌اند بپذیرید.

این جنبه‌های تأثیر گذار فراموشی دین نیست که بر اعمال دینی این جوانان تأثیر گذاشته است بلکه تغییر معلمان و روش تدریس شیطان عامل مؤثرتری بوده است. الان نسل جدیدی از همان نسل که در آمریکا بزرگ‌شده‌اند شهرت یافته‌اند و دانش‌آموزان به آنها توجه ویژه‌ای دارند. خطیبی چون حمزه یوسف (یک مستخیران پیشین ترم مسلمان) و امام سرراخ و هاج (مستخیران پیشین ترم مسلمان) از آنجا که رفتاری گمراه‌دهنده‌تر می‌باشند و به‌جای انگیز دارند، برای جوانان بسیار چالش‌برانگیز می‌نمایند. حضور آنها در هر مجلسی موجب جلب تریبوی از جمعیت به آن مکان می‌شود. در جلسات و خطبی که آنها در شهر نیویورک برگزار می‌کنند جمعیتی چند هزار نفری حضور می‌یابند. سخنرانی‌های ایشان در ایستگاه‌ها همیشه مملو از جمعیت است و نوارهای سخنرانی آنها بسیار متفاوتی دارد. علاوه بر چهره‌های شناخته‌شده، تغییراتی در سطح محلی وجود دارد. برای مثال در مدارس پخش‌شده جوانان بالغ متولد یا بزرگ‌شده در آمریکا اغلب جوان‌ترها را آموزش می‌دهند و آنها را با همان شیوه تدریس می‌کنند. همه این عوامل، چنانچه اسلام را در آمریکا به خصوص برای مسلمانان جوان‌تر اثر پذیرش داده است.



نتیجه گیری

من در این مقاله بحث استفاده از حجاب توسط برخی زنان مسلمان مهاجر نسل دوم در آمریکا را بررسی کرده‌ام. آن‌ها حجاب را فرم‌های الهی و بیگانه و قلمبر شایسته اسلامی می‌دانند. بسیاری احساس می‌کنند که حجاب از توجه ناخواسته سرخ‌پوستان جلوگیری می‌کند. استفاده از حجاب به صورت گروهی، نتیجه همنشینی یا دوستی با حجاب‌پوشان است نه برضی یا حمایت خانواده و دوستانشان. شروع به استفاده از حجاب می‌کنند و برخی دیگر هم با وجود مقاومت خانواده دوستان، هم‌کلاسی‌ها و دیگران بدن رو می‌آورند.

مطلب دیگری که مورد توجه در اقدام این است که چرا این اتفاق اکنون (و نه در ۱۹۸۰) در حال رخ دادن است. امام اوجاهت مسجداً حومه که پیش از این از وی سخن رفته معتقد است این اتفاق نمی‌توانسته پیش از این رخ دهد. به نظر من، گرایی به سمت چندفرهنگی و نژادگرایی که یکی از شکل‌های صوملی و مقبول‌ترین چندفرهنگی است در آمریکا فضای فراهم آورده که در آن روسری و چادر به مثابه مظهر هویت اسلامی پرتوان گسترش یافته. به علاوه، تخریب تکی مسلمانان نسبت به خود در جامعه در حال تغییر است. آنها بعد از جنگ خلیج فارس و تخریب مرکز تجارت جهانی و اتفاقات مشابه در حال آرزو شدن گفتمانی مجدد مسلمان بودن هستند. همچنین مسلمانان به پای تعریف اسلام و شیوه مسلمانان پرداخته‌اند. این عوامل همگی در افزایش آلبال به پوشش روسری و چادر توسط زنان مهاجر نسل دوم سهم دارند.

بررسی تغییرات فلسفه نژادگرایی به عنوان متغیر در طول زمان، نشان می‌دهد که هویت اسلامی در سال‌های اخیر در ایالات متحده آمریکا معنادارتر شده است. این امر، بیشتر حاصل تلاش‌های درونی و تأملات در باره معنای مسلمان بودن در آمریکا بوده و احساس عمیق‌تری از «مسلمان بودن» را که فراتر از دیگر انواع روابط نژادی است، شکل داده است. پوشیدن چادر و روسری آشکارترین نشانه‌های حرکت در جهت مسلمان بودن است. این جنبش اسلامی کاملاً درونی است و بخش عمده‌ای از آن بدون دخالت مسلمانان کنونی و بدون ارتباط با تغییرات در اهل اسلامی مناطق دیگر اتفاق افتاده است. حتی تعامل با دیگر مسلمانان و آمریکایی‌های غیرمسلمان، زمینه‌های انتقادی از فهم این تغییرات در اهل اسلامی فراهم آورده است.

اما این تغییر در عمل هویتی آنها تغییر مهم برای مسلمانان آمریکا نیست. در اینجا دیدگاه مسلمانان حاضر، هرگز به اصطلاحات عمل، تعصب دینی و طبقه اجتماعی، نسبت به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ که مسلمانان کمتر بودند، کاملاً متفاوت است. این تفاوت به خصوص در مجمع آستان در سال ۱۹۹۹ قابل رویت بود که زنان جوان، روسری و چادر پوشیده بودند و در اطراف پرسه می‌زدند. اختلاف طبقاتی و نژادی میان مسلمانان به ویژه در میان مهاجران نسل دوم - جوانی که اکنون بالغ شده‌اند - پیچیده شده است. تعامل آنها با ایالات متحده با اسلام و با والدین و دوستانشان، شکل آموختن از اهل نژادی و لایه‌های پیچیده از هویت‌ها را تولید کرده است. این مجموعه متنوع، خلیج از حیثه این مقاله است. اما کافی است که گفته شود یک فراتر واحد و مورد انتقال از اسلام در آمریکا پدید آمده و نه مابقی توتیم یکویم که همه مسلمانان آمریکا تکی می‌کنند. از همین لحاظ با کاملاً به آن متعهد هستند. استفاده از حجاب به بررسی کاملاً روشن از استراتژی برخی زنان جوان در جهت مطالعه و پذیرش اسلام به مثابه راه زندگی است.

تا این مقاله ترجمه‌ای است از: Syed Ali, "Why Here, Why Now? Young Muslim Women Wearing Hijab", The Muslim World, 95:4 (October 2005), 515-530.

پروفسور سید علی دانش‌آموخته دپارتمان جامعه‌شناسی دانشگاه ویرجینیاست وی هم‌اکنون در دپارتمان جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه

لانگ‌بیلند، واحد پروگرمین نیویورک مشغول به فعالیت است. syed.ali@lin.edu در این مقاله با توجه به نگاه جامعه‌شناسانه نویسنده دین اسلام به مسئله هویتی قومی یا نژادی مورد تحلیل قرار گرفته است.

در اصل مقاله کلمات حجاب (jilbab) و جلاب (jilbab) آمده است. مولف «حجاب» را برای پوشش سر و گردن و «جلاب» را «پوشش مشابه شل که کل بدن را می‌پوشاند» توصیف کرده که ظاهراً باید پوشش سی نظیر چادر عربی باشد. در این ترجمه برای تفکیک این دو واژه از معادل‌های روسری و «چادر» استفاده شده است.

این نوشتارها
۱- سید علی حجاب شمال آمریکا (ISNA) عنوانی برقرار کرده‌ای سالانه است که در آن، مسلمانان به منظور ارائه نظر و بحث پیرامون مسائل مذهبی، اجتماعی و سیاسی دور هم جمع می‌شوند. همچنین جمع به عنوان یک گروه‌های اجتماعی بزرگ و هر نژادگرا می‌باشد. برای ایجاد دیدگاه‌های خود دوستان را به هم می‌پیونداند.
۲- در حالی که در آوریل ۲۰۰۵ هزار نفر در یک کارزار شکر شریه شیکاگو، سن تانز حضور ۲۵ هزار نفر در کارزار شکر داشتند.

Ernest Tucker, "Muslims Gathering in Chicago for Islam Convention," Chicago Sun-Times, September 3, 1999, 31.

۳- آنها از نژادهای مختلفی هستند یکی از علیه‌کنان آنها گفته است: «ما تعدادی غیرآریایی (هندی) و پاکستانی» برخی مسجودی و حتی یک کلابی از سوی رسانه‌ها نیزه کلابی.

(e-mail correspondence, June 19, 2000)

4-Fredrik Barth, "Enduring Issues in the Analysis of Ethnicity," in The Anthropology of Ethnicity: Beyond 'Ethnic Groups and Boundaries', ed. J. Vermeulen and C. Govea, Amsterdam: H. J. et Spinhuis, 1994, 12.

۵- من در متن این مقاله به این گروه اطلاعات با عنوان «زنان جوان مسلمان» را درج می‌کنم. من پرسش‌هایم را برای خواهرم در شهر نیویورک و دختر عموم در شیکاگو فرستادم و آنها هم برای دیگران ارسال کردند. خواهرم و دختر عموم من چادر می‌پوشند و آنها هم که پاسخ داده بودند اکثر در شیکاگو، یکی در فیلادلفیا دیگری در هوستن و دومی دیگر در شهر نیویورک می‌گویند. فانتست ۴ نفر مشخص نکرده بودند که در کجا زندگی می‌کنند. اگر چه احتمالاً بیشتر می‌توانستیم آنها را نیویورک یا شیکاگو زندگی می‌کنند. همه آنها در ایالات متحده به دنیا آمده‌اند. می‌توانیم گفتیم آمریکا هستند. آنها ۲ نفر (هندی و آسیای جنوبی) به علاوه خواهرهای مشخص کرده بودند که چادر می‌پوشند. ۶- قرار بود تحقیق ۱۹ نفر از آسیای جنوبی (۱۱ هندی و ۵ پاکستانی) و ۶ نفر از فلسطینی و یک سورینی و یک ایرانی بودند. آنها جوان بودند. اندر ۱۰۰۰ سال محصل در کالج، ۲ نفر از تحصیل یک خانوادگی با مرکز غربی آسیایی و یک نفر به عنوان پژوهشگر که در دانشگاه شافل بودند است.

۷- من در شهر نیویورک برای پژوهش‌هایم به شکل گروهی هویت نژادی در بین مسلمانان اهل آسیای جنوبی ساکن در شهر نیویورک در سپتامبر ۱۹۹۶ تا فوریه ۱۹۹۷، اکتوبر ۱۹۹۸ تا ژوئن ۱۹۹۹، اکتوبر ۲۰۰۲ تا سپتامبر ۲۰۰۲ تا سپتامبر ۲۰۰۲ به تحقیق‌هایم پرداختم. هر جلسه‌ای که من به آن می‌رفتم، تعدادی از زنان نژادگرا و بیشتر در حال پذیرش حجاب داشتند. روزی‌به‌روز زنان بیشتری در حال پذیرش آن هستند. در این جامعه مسلمانان، افراد اکثر آسیایی یا جنوب آسیایی و تعداد کمی هم سیاه و عرب هستند. اما آنها که چادر می‌پوشند تقریباً همگی اهل آسیای جنوبی هستند.

8- See: Aminah McCloud, African American Islam, New York: Routledge, 1995; Richard Turner, Islam in the African-American Experience, Bloomington: Indiana University Press, 1997.

9- Yvonne Haddad and Adair Lummis, Islamic Values in the United States: A Comparative Study, New York: Oxford University Press, 1987, 132.
10- Jane Smith, Islam in America, New York: Columbia University Press, 1999, 108.
11- Caryle Murphy, "Modesty and Modernity: Some Muslim Women Choosing Not to Cover Their Heads," Washington Post, Metro Section, December 9, 1999, B1.

۱۲- مقاله پوشش‌های یک مسلمان هندی اصل است که ترجمه فرانسو سال ۱۹۷۲ نویسنده از معادل‌های ترجمه‌های انگلیسی است.

۱۳- برخی آن را از فرم‌های الهی می‌دانند. در حالی که دیگران آن را نوعی فراموشی سرخ‌پوستان را حجاب به معنای سفارش به نجاست است که زنان مسلمان به در حال بداند می‌دانند.

۱۴- این به خصوص در زنان آسیای جنوبی هست. والدین زنان جوانی که من با آنها مصاحبه کرده و نام‌ها را نام می‌نماید، غالباً افراد با پیش‌زمینه‌ای هستند که پیش از مهاجرت به آمریکا مسیحی بوده‌اند.

۱۵- کارل مورلی همان چادر کارش را زهر نامی از زنان ارائه کرده که حجاب را کنتر گذاشته‌اند. برخی به خاطر فشارهای اجتماعی مجبور به ترک حجاب می‌شوند و بعضی دیگر چون چنین باور می‌رسد که حجاب یک ضرورت دینی نیست، هر چند تعالیم دینی می‌پوشند. هنوز هم برخی از آسیای جنوبی می‌پوشند و هیچ بخشی از بدن را در رویت نمی‌گذارد.

16- Erin Trodden, "Anti-Muslim Bias is Rising, Survey Finds," Los Angeles Times, July 18, 1998, Metro, Part B, 4.
17- Garbi Schmidt, American Median: A Study of the Sunni Muslim Immigrant Communities in Chicago, Lund, Sweden: University of Lund Press, 1998, 138.
18- Jane Smith, op. cit., 109.
19- David Hollinger, Post ethnic America: Beyond Multiculturalism, New York: Basic Books, 1995.

این پژوهش چندفرهنگی با افزایش تعداد مسلمانان در آمریکا، حاوی آسیای ما، چه مهاجر و چه بومی، در موج مهاجرت پس از ۱۹۶۵ را به هم پیوند می‌دهد.

20- Nathan Glazer, We Are All Multiculturalists Now, Cambridge, MA: Harvard University Press, 1997, 10.
21- تاشان گلایزر و دانیل پاتریک موپه‌لن در کتاب «مهاجران: Beyond the Melting Pot: The Negroes, Puerto Ricans, Jews, Italians, and Irish of New York City, Cambridge, MA: M.I.T. Press, 1963

- حتی در سال ۱۹۷۲ که برای نخستین بار منتشر می‌شد، می‌گوید که همگونی بیش از آنکه حقیقتی هست، پنداری ایدئولوژیک است.
۲۲- بسیاری از شاخص‌های فرهنگی غیر اروپایی نظیر غذاهای، موسیقی، زبان محلی که تا دهه ۸۰ میلادی در حال فرار داشتند در تازویون محلی روزنامه‌ها، مجلات و فرآیندهای محلی هم‌فره می‌محصوب می‌شدند. این لایه‌های فرهنگی در بهترین حالت، شکل فوخر بدترین شرایط خنثی‌سازی به حساب می‌آمده و غالباً مورد تسخیر و خشم دیگران واقع می‌شدند.

23- Nathan Glazer, op. cit.
۲۴- تغییر به سوی چند فرهنگی با رتاب تحولات موجود است. در نظریه‌های مهاجرت است که منجر به تجزیه و تحلیل عظیم شده‌اند. خصوصاً پس از انتشار کتاب کلاسیک Milton Gordon's classic Assimilation in American Life: The Role of Race, Religion and National Origin, New York: Oxford University Press, 1964

برای نمونه‌هایی از رویکردهای نظری جدید که این کارایی

را به هر دو نگاه کنید

Josh De Wind and Philip Kasinitz, "Everything Old Is New Again? Presses and Theories of Immigrant Incorporation," International Migration Review, 31 (1997), 1096-1112; Alejandro Portes and Ruben Rumbaut, Immigrant America: A Portrait, Berkeley: University of California Press, 1996; Alejandro Portes and Min Zhou, "The New Second Generation: Segmented Assimilation and Its Variants," The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 530 (1993), 74-97.

25- Yvonne Haddad and Adair Lummis, op. cit., 132.

26- Murray Milner, Jr., Freaks, Geeks, and Cool Kids: American Teenagers, Schools, and the Culture of Consumption, New York: Routledge, 2004.

27- Murray Milner, Jr., Status and Sacredness: A General Theory of Status Relations and an Analysis of Indian Culture, New York: Oxford University Press, 1994.

28- Milner, Freaks, Geeks, and Cool Kids, 2004.

۲۹- سر این نیست که این در هر سه مکانی تفاوت داشته باشد. منظور این است که کمی تفاوت بین پوشش داشته باشند و به طور خودکار طرحی شوند.

۳۰- اینکه این رشد چقدر بوده معلوم نیست چرا که اطلاعات آماری در این باره موجود نیست. در سال ۱۹۸۱ جمعیت مسلمانان ۱۷ میلیون نفر برآورد شده است.

And Ghayur, "Muslims in the United States: Settlers and Visitors," The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 454 (1981), 150 Schmidt, op. cit., ۶ میلیون یا بیشتر است.
۳۱- مقاله شکر ممکن است در این فرم زمانه ۵۰ ساله باشد. در بررسی نمونه‌های آماری برای راه هویت مذهبی آمریکایی‌ها جمعیت حال حاضر مسلمانان ۱۱ میلیون نفر برآورد شده است.

(Profile of the U.S. Muslims: Population, Report No. 2: http://www.gc.cuny.edu/studies/air_part_two.htm, October 2001).

31- Karen Leonard, "South Asian Leadership of American Muslims," in Muslims in the West: From Sojourners to Citizens, ed. Y. Haddad, New York: Oxford University Press, 2002.

32- Agha Saeed, "Muslim Activism: Past, Present, Future," Paper Presented at the Muslim Identities in North America Conference, University of California, Irvine, May 20-21, 2000.

۳۳- جو ظفر چنین به نظر می‌رسد که این حرف با گفته پیشین من که اصل صوملی نژادگراییه مقبول تر شده در تقابل است. اما پذیرش دیگر گفتمانی نژادی و سهری و والی شدن نژادی، ۲ مطلب متناقض نیستند. از یک سو، رسانه‌ها و سیاستمداران از مسلمانان تصویر کلیشه‌ای می‌سازند که این خودشان هم از سوی می‌کنند.

Exposito, John, The Islamic Threat: Myth or Reality?, New York: Oxford University Press, 1999; Woods, John, "Imagining and Stereotyping Islam," in Muslims in America: Opportunities and Challenges, eds. H. Azad, J. Woods, and J. Akhtar, Chicago: International Strategy and Policy Institute, 1996)

ترجمه در اینجا حاجی آخوندی

